

لندن ۳۰ مه ۱۹۵۹

زاده سید محمد خانم زاده گلشنی عزیز

درود بر تو که در "سفرنامه سوال" که "سفری به خرابی داری" و با ولایتی زیبای صبیح
سنگوشی "مالز بیمار خواصانیم" "ما آویزیم به لردن صبر" و "به دورها شوگر کتم ام" آری برای
تو "کعبه بن بست همواره دعوتی هست در بابت سال کی منتظر" که امید دارم بهر منزل مقصود برسی
ما دانی چرا گفته که "راستی را می گویند چون آهزار احوال می دارم و بخوبی احوال می گویم"

ما خدایم صیانه برای منزد لکن است به کوشش و با این بگویم
دل من خواهد بداند که از کدام فصل مهاجران آمان که معاصر من منم بگویم
آسان تر باد گفت و گو کنیم. از این که "زندگی میان ولایت که در ابرای من فرستاده اسی
تو که ما کنیم بنفوس که بیس دیگر نامه که این نیز بنزد ما می کشیم. بدانی در سفر بودم و ...

برای نامه بنویس و بگو که ما بهر خوب نیاز داریم.

ساده و در زندگی
زاده 